

معین کردند. این حکمیت هم به لطف الهی در حدود ۱۱-۱۰ مورد بین من و آقای نخست‌وزیر اختلاف سرورزا بود- به نظرم ۱۱ مورد بود- در ۱۱-۱۰ مورد، ۱۱ تا رأی به نفع آقای نخست‌وزیر دادند، بنده هم هیچ اظهار نگرانی نکردم. (مجله رمز عبور، ضمیمه روزنامه ایران، شماره ۴ ص ۷۰۶)

با این شرایط عملاً آیت‌الله خامنه‌ای هم برای حمایت از «انقلاب اداری» در تنگنا قرار می‌گیرد.

امام نیز در تنگنای دیگری است. در شرایطی که کشور درگیر جنگ است و امام با نگاه راهبردی خود این مسأله را در رأس توجه خود قرار داده‌اند و مردم با ایثار در جنگ شرکت و شهدا و جانبازان جانفشانی می‌کنند. در داخل کشور اما برخی موضوعات را دستمایه اختلاف قرار می‌دهد که از نظر امام کاملاً فرعی است.

در ماجرای اختلاف میان آیت‌الله منتظری و آیت‌الله هاشمی در ماجرای پرونده مک فارلین و اعدام مهدی هاشمی طی نامه‌ای به آیت‌الله منتظری می‌نویسند:

جناب‌عالی که یکی از ذخایر این انقلاب می‌باشید، با پشتیبانی از آقای هاشمی وقت خود را مصروف در ساختن دنیا[یی] از کرامت و بزرگواری نمایید. و مردم شریف ایران نیز بدانند که این روزها دستهای ناپاک شرق و غرب برای هدم اسلام و مسلمین در یکدیگر گره خورده است، باید نگذاریم که تلاش فرزندان انقلابی‌مان در جبهه‌ها از بین برود. برای برپایی احکام اسلام عزیز دست اتحاد به یکدیگر داده، محکم و استوار تا پیروزی اسلام حرکت کنیم.

مسئولین نظام باید تمامی همّت خود را در خدمت جنگ صرف



درد و حتی به جاهای باریک هم می‌کشد. طبق قانون اساسی، نخست‌وزیر باید تابع رئیس‌جمهور باشد، اما موسوی، چنین التزامی را نداشت. آیت‌الله خامنه‌ای، بارها به وی درباره «تخلف از قانون اساسی» تذکر داد، اما او اعتنایی نمی‌کرد. از این رو، آیت‌الله خامنه‌ای موارد زیادی از تخلف‌های نخست‌وزیر از قانون اساسی را به مجلس عرضه کرد تا مجلس، در جریان قرار گرفته و واکنش نشان بدهد. پس از این، میان آیت‌الله خامنه‌ای و موسوی در جلسه شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی، بحث در گرفت. موسوی با عصبانیت از آیت‌الله خامنه‌ای پرسید که چرا چنین گزارشی به مجلس دادید؟! و ایشان پاسخ داد که شما باید به «قانون» توجه می‌کردید، اما چون نکردید، باید مطابق قانون عمل می‌کردم و چاره دیگری نیز نداشتم! موسوی گفت پس این گزارش، کیفرخواست شما بر ضد من است. گفت و گو اسدالله بادامچیان با ویژه‌نامه روزنامه جوان ۱۵ خرداد ۱۳۸۹

کار به جایی می‌رسد که ایشان در سفری که یکماه بعد از پذیرش قطعنامه به مناطق جنگی دارند در جلسه پرسش و پاسخ با رزمندگان و در پاسخ به چرایی کم شدن حمایت دولت از جبهه می‌گویند:

این سؤالی که... کردند که چرا سیاست‌های دولت این نیست؟ خب این مسئولش دولت است نه من. ممکن است بگویند خب مگر دولت زیر نظر رئیس‌جمهور نیست؟ نه، جوابش نه است... طبق قانون اساسی من نمی‌توانم وزیر را بردارم، باید نخست‌وزیر به من پیشنهاد کند، من قبول کنم. من نمی‌توانم به نخست‌وزیر پیشنهاد کنم که بیا این وزیر را برداریم و اگر نخست‌وزیر صد سال هم به فرض محال، یک نفری را پیشنهاد نکند که عوض کنیم، بنده قادر به کار نیستم... [آنچه] در باب نخست‌وزیر پیش آمد که بنده آن نخست‌وزیر را قبول نداشتم، بعد امام فرمودند، بنده از امام تبعیت کردم،... گفتم آقا من حجت شرعی می‌خواهم... امام هم حجت شرعی به من داد، من هم اقدام کردم. سر قضیه وزرا هم همین بود، من گفتم آقا حکمیت، حکمیت را هم امام

”

فقدان یک برنامه همه جانبه اقتصادی و گرایش به دولت‌سالاری، یکی دیگر از مشکلات ماست که نتیجه این مشکلات را در کاهش رشد اقتصادی و گاهی در رشد منفی اقتصادی مشاهده می‌کنیم. باید در زمینه اقتصادی برنامه‌ریزی مستقل از نفت انجام بگیرد. گرایش به افزایش تولید داخلی به وجود بیاید و شدت پیدا کند و استفاده از سرمایه‌ابتکار و مدیریت و همکاری مردم جدی گرفته شود